

سه‌گانه «بینش، منش و کنش» در تراز حکمرانی اسلامی

اختتامیه کنگره بین‌المللی «حکمت و حکمرانی» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، رئیس و مؤسس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.

اختتامیه کنگره بین‌المللی «حکمت و حکمرانی» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، رئیس و مؤسس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.

به گزارش ای‌کنا، به نقل از مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی، حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه در این مراسم با تأکید بر اینکه حکمت صرفاً با عقلانیت برابر نیست، تصریح کرد: حکمت دارای سه رکن رکن است: عقلانیت، فضیلت و خدمت. بسیاری تصور می‌کنند هر فیلسوفی، حکیم است؛ در حالی که عقلانیت تنها یک رکن از حکمت محسوب می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین خسروپناه نخستین رکن حکمت را «عقلانیت» (بُعد دانشی و بینشی) برمی‌شمرد و گفت: این عقلانیت شامل عقل نظری، عملی، معاش و معاد بوده و در قرآن کریم از تجمیع این ساحات با عنوان «أولوالالباب» یاد شده است؛ در کنار این رکن، «فضیلت» را به عنوان بُعد منشی و رکن اخلاقی حکمت و «خدمت» را به مثابه بُعد کنشی و مظهر اثرگذاری حکمت در محیط پیرامونی معرفی می‌کند تا حقیقت حکمت در تعامل منسجم میان بینش، منش و کنش تبلور یابد.

خسروپناه با اشاره به سوابق تاریخی این مفهوم در ایران گفت: ما پیش از اسلام نیز حکمت خسروانی داشتیم که مبتنی بر خرد، فضیلت و خدمت بود. فلسفه ریشه در یونان باستان دارد اما حکمت ایرانی، پس از ظهور اسلام تبیین و تکامل یافت.

وی در بخش دیگری از سخنان خود، حکمرانی را نه یک مجموعه از قوانین یا رشته صرفاً علمی، بلکه نوعی فناوری نرم تعریف کرد که فرآیندی پویا و مرحله‌بندی شده را در بر می‌گیرد. براساس این الگوی پنج‌گانه، فرآیند حکمرانی با سیاست‌گذاری به مثابه تدوین بایدها و نبایدهای جهت‌دهنده آغاز شده و در گام دوم به تنظیم‌گری می‌رسد که دربرگیرنده تقنین، تقسیم مسئولیت‌ها و ساختارسازی است که امام شهید ما از این عنوان، به عملیات قرارگاهی تعبیر می‌کردند. راهبری و هدایتگری یک الگو می‌خواهد که مدل آن، کار قرارگاهی است. چهارمین مرحله، اجرا و گام پایانی نظارت و ارزیابی اثربخشی است.

وی در تبیین ماهیت این الگوی پنج‌گانه، تأکید ویژه‌ای بر پیوند عمیق آن با مبانی معرفتی داشت و اظهار کرد: این فرآیند در نظام اسلامی، به هیچ وجه یک اقدام صرفاً مکانیکی و گسسته نیست. تمامی مراحل این چرخه، از سیاست تا نظارت، عمیقاً مبتنی بر نظریه‌های ایدئولوژیک برخاسته از جهان بینی توحیدی است؛ به گونه‌ای که حکمرانی در این منظومه فکری، همواره از پشتوانه‌ای فلسفی برخوردار بوده و بر مدار اندیشه‌ای منسجم استوار است.